

بررسی فقهی و حقوقی اصل عدم تبرع در رویه قضایی

مؤلفین
علیرضا رضائی سیابیدی
لطیف نوروزی فراشی

ویراستار
نگار جعفری

انتشارات قانون یار

۱۳۹۷

سرشناسه	رضائی سیابیدی، علیرضا، ۱۳۷۰ -
عنوان قراردادی	ایران، قوانین و احکام Iran, Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	بررسی فقهی و حقوقی اصل عدم تبرع در رویه قضایی / مولین علیرضا رضائی سیابیدی، لطیف نوروزی فراشی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۳۲۶ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۵۵-۱۴-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه ص: ۲۱۸.
موضوع	پرداخت (فقه)
موضوع	Payment (Islamic law)
موضوع	پرداخت
موضوع	Payment
موضوع	ادله اثبات دعوی -- ایران
موضوع	Evidence, Demonstrative-- Iran
موضوع	پرداخت -- ایران
موضوع	Payment -- Iran
شناسه افزوده	نوروزی، سی، لطیف، ۱۳۵۳ -
شناسه افزوده	حری، نگار، ۱۳۵۵ - ویراستار
رده بندی کنگره	۳۷ - ۶ / ۶ / ۶ BP
رده بندی دیویی	۳۰ / ۲۷۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۲۶۶۷۰

آرشیف حقوقی ایران

بررسی فقهی و حقوقی اصل عدم تبرع در رویه قضایی

تألیف: علیرضا رضائی سیابیدی - احزاب نوروزی فراشی

ویراستار: نگار جعفری

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۵۵-۱۴-۷

مرکز پخش قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶



فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
بخش اول.....	۱۳
ماهیت و آثار حقوقی پرداخت.....	۱۳
بخش دوم.....	۸۵
دیدگاه قائل به عدم ظهور اماره ی مدیونیت در ماده ۲۶۵ قانون مدنی.....	۸۵
بخش سوم.....	۱۲۳
دیدگاه قائل به ظهور اماره ی مدیونیت در ماده ۲۶۵ قانون مدنی.....	۱۲۳
منابع و مآخذ.....	۲۱۸

پیشگفتار

وفای به عهد، از صفاتی است که، همواره مورد تأکید و تحسینِ تمام ادیان الهی، از ابتدای خلقت آدمی بوده و هست، تا جایی که، دین مبین اسلام، وفاداری به عهد و پیمان را از واجباتِ فعل آدمی به حساب آورده است، و پیامبران و امامان معصوم (ع) احادیث زیادی در این خصوص فرموده‌اند، که همگی از اهمیت و ضرورت وفاداری به عهد و پیمان، حکایت دارد، و جوب وفای به عهد، نه تنها از لحاظ بُعد مذهبی و عبادی، دارای اهمیت است، بلکه، جمیع عقلاء در تمام اقوام و ملل، آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند و بر انجام آن، اتفاق نظر دارند. از بین مخلوقات خداوند متعال، بشر موجودی است که، در طول حیاتش تا به امروز، براساس نیازهایی که محتاج آنها بوده، سعی و تلاش نموده تا در حیات بهتر شدن زندگی‌اش، بتواند به نحو احسن، نیازهای خود را برآورده و زندگی راحت بی‌غدغه‌ای برای خود رقم بزند و در راستای رفع این نیازها و ضروریات زندگی، به این مهم پی ببرد. در این امکان که فرد بتواند در اجتماع، مستقلاً تمام نیازهایش را برآورده کند و در رفع نیازهایش، نیکی، هموعان خود نباشد، ممکن نیست، پس در گام نخست، انسان به این فکر فرو می‌رود که برای تحقق رفاه و بهبود سطح زندگی خویش، به دارایی خود بیفزاید، و این امر مستلزم انجام معاملات و داد و ستد با دیگران است. امروزه، سطح معاملات و داد و ستد در بین مردم، به حدی افزایش یافته است که به جرأت می‌توان اظهار نمود، حتی اگر، سازمان یا نهادی، جهت آمارگیری معاملاتی که در روزانه، انجام می‌گیرد، شکل گیرد، توانایی شمارش آن را نخواهد داشت، به ویژه، وقتی، انجام معاملات از طریق وسایل پیشرفته مدرن یا تکنولوژی جدید صورت می‌گیرد، در همین راستا، فروش برخی از محصولات تبلیغاتی به نحوی است که، ابتدا، مشتری باید، ثمن مبیع را تأدیه نماید، سپس، کالا، بعد از مدتی در اختیار مشتری قرار می‌گیرد، (این معاملات شبیه بیع سلم یا سلف در فقه است)، در این گونه، معاملات، خریدار نیازمند، یا باید به صرف اعتبار فروشنده، اعتماد کند و پول را به وی پرداخت نماید یا اینکه، از فروشنده، رسید یا سندی که مبین تعهد اوست، از وی دریافت کند، در خیلی از معاملات و عقود، دریافت رسید از فروشنده امکان‌پذیر نیست، (خصوصاً زمانی که، فروشنده در نقطه دیگری از محل اقامت خریدار قرار دارد یا در شهر دیگری است)، حال، چنان‌چه، خریدار پول را

در اختیار فروشنده نهاد، اما، فروشنده از تسلیم کالا، امتناع نمود، بحث وفای به عهد مطرح می-شود؛ یا در فرض دیگری، شخصی مبلغی را به دیگری پرداخت می کند و مدعی می شود آن را قرض یا ودیعه، عاریه و... داده است، اما، با وجود قبول گیرنده به دریافت وجه، گیرنده، مدعی پرداخت دین دهنده می شود، به عبارت دیگر، هردو به قبض و اقباض وجه، متفق القولند، اما، در عنوان تسلیم، اختلاف دارند، به نحوی که، دهنده، عنوان و جهت تسلیم را امانت یا قرض و... می-داند، اما، گیرنده، تسلیم را وفای به عهد و پرداخت دین می داند، ماده ۲۶۵ ق.م. به صورت مبهم و مجمل به این موضوع پرداخته است، از یک سو، ماده مذکور را به نحوی به کار برده است که فرض وجود دین یا نه، وفای به عهد نیز، از آن استنباط نمی گردد و صرفاً به رایگان بودن مال تسلیم شده یا وجه پرداختی اشاره کرده است، از سوی دیگر، ماده مذکور را، ذیل عنوان مبحث «وفای به عهد» گنجانده است که در ذهن متعارفی را به سوی وفای به عهد یا ایفای تعهد می کشاند و از آن، پرداخت دین را استنباط می کند. شاید با نگاهی اجمالی به عنوان این پژوهش، «تحلیل ماده ۲۶۵ قانون مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران با تأکید بر رویه قضایی» اولین چیزی که به ذهن خواننده متبادر می گردد این است که دیگر بار، یکی از مباحث تکراری حقوق مدنی که حقوقدانان در خصوص آن، نظرات متفاوتی ارائه نموده و هیچ گونه اتفاق نظری نیز وجود ندارد، مطرح گردیده و ما، قصد بیان نظرات مختلف و در نهایت ادامه بحث های تمام ناشدنی را داریم، اما هدف نگارنده از انتخاب این موضوع، و روش بیان مطالب با تمام نوشته های دیگر در این خصوص، متفاوت خواهد بود، بدین توضیح که، در راستای کاربردی کردن مباحث حقوقی و اجتناب از بیان صرف نظریات و تئوری ها، قصد داریم، موضوع ماده ۲۶۵ قانون مدنی را با نگرشی کاملاً متفاوت، یعنی رویکردی عملی و در چارچوب رویه قضایی مطرح نمائیم. یکی از بحث برانگیزترین مواد قانون مدنی، ماده ۲۶۵ است که، علی رغم گذشت سالیان متمادی از تاریخ تصویب این ماده و مدلول آن، مسأله ای است که همچنان در سطح دکترین و رویه قضایی، محل بحث و اختلاف است، این در حالی است که، به جرأت می توان گفت: اگر ماده ۲۶۵ ق.م را کاربردی ترین مواد قانون مدنی ندانیم، حداقل از مباحثی است که به طور قابل توجهی، کاربردی و مبتلا به بوده، و نمی توان، وجود اختلاف در آراء صادره از محاکم در خصوص این ماده را انکار

نمود، لازم به توضیح است، برخلاف سایر دعاوی از قبیل (دعوی خلع ید، الزام به تنظیم سند رسمی، ابطال سند و...) که دارای عنوان خاصی است، آرای که درخصوص ماده ۲۶۵ ق.م. صادر می‌شود، فاقد شناسنامه و عنوان است، لذا همین امر جهت دسترسی به آراء صادره و بررسی آنها، موجب تکلف و دشواری است، اما می‌توان اذعان داشت که، دادگاه‌ها موضوع ماده ۲۶۵ ق.م. را تقریباً تحت عنوان «مطالبه‌ی وجه» مورد رسیدگی قرار می‌دهند.

ماده‌ی ۱۶۵ ق.م. در جلد اول قانون مدنی (کتاب اموال)، از باب اول (عقود و تعهدات به طور کلی) در قسمت دوم (در عقود و معاملات و الزامات) از کتاب دوم (در اسباب تملک) در فصل ششم که تحت عنوان (در عقود تعهدات) است (مواد ۲۶۴ تا ۳۰۰ ق.م.) به عنوان اولین ماده، ذیل مبحث اول (وفای عهد) ذکر شده است، برای اینکه به تحلیل و بررسی دقیق ماده مزبور بپردازیم، مستلزم این امر است که، اگرچه به موارد سقوط تعهدات داشته باشیم، همچنین با توجه به اینکه، بخش اعظم حقوق تعهدات از قانون مدنی فرانسه اقتباس گردیده، به عنوان منبع اصلی، نگاهی هم به موارد سقوط تعهدات آن کشور، بررسی و تفاوت آن با قانون ایران خواهیم داشت، در لابلای این کاوش، به مسائل فقهی و قانون مدنی مصر و موارد سقوط تعهدات آن کشور اسلامی توجه داریم.

سپس در ادامه، بررسی آنچه لازم و ضروری است، تحلیل و تفسیر ماهیت «وفای به عهد» است، هم‌چنین نظرات مختلفی که توسط حقوق‌دانان فرانسه، محققان و محققان حقوق‌دانان کشورمان در ماهیت این امر مطرح گردیده است، را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهیم، زیرا بحث و نتیجه‌گیری درخصوص ماده‌ی ۲۶۵ ق.م. مستلزم احراز اراده‌ی قانون‌گذار از وضع این ماده، ذیل عنوان وفای به عهد است. از ویژگی‌های دیگر این کتاب، استفاده از آرای فقهای عظام در متن پژوهش، ازجمله نکات برجسته‌ای است که تاکنون در هیچ تألیفی به چشم نمی‌خورد، هرچند که در برخی از نوشته‌های حقوقی موجود، در حاشیه و بسیار کم رنگ به نظرات مختلف فقها اشاره شده است. همچنین تلاش شده است، دلایل و مستندات هر دو دیدگاه به صورت جداگانه آورده شود، و در ذیل هر دلیل یا مستند، آرای مربوط به آن استدلال یا مستند (چنانچه موجود باشد) ذکر و مورد بررسی قرار گردد، «منتها رویه قضایی را با رأی دادگاه، نباید اشتباه کرد، رویه قضایی به قاعده‌ای



گفته می‌شود که از رسم پا گرفته‌ی محاکم هنگام روبرو شدن با مسأله‌ای ویژه استنباط می‌شود، ولی رأی دادگاه، تنها زمینه‌ی این کاوش است، نقل رأی دادگاه، بدون توجه به منش عمومی دادرسان، فایده‌ای اندک دارد و گاه نیز گمراه کننده است.^۱ از آنجایی که متأسفانه در کشور ما، هنوز مجموعه‌ی منظمی از رویه قضایی تدوین نشده است، لذا به ناچار، قواعد استنباط شده از آراء محاکم را، معیار رویه عملی می‌دانیم. رویه قضایی، تنها حاوی بخشی از واقعیت‌های حقوقی است، زیرا تمام رویدادهای حقوقی در دادگاه مطرح نمی‌شود، گاهی نیز طرفین صلح می‌کنند، پس باید رأی ردیک شدن به تمام واقعیت، از اندیشه‌های حقوقی بهره برد، این نظرها کانون پرورش عدالت و ارزش‌های قوانین و هدایت‌کننده رویه قضایی است، به ویژه که امروزه، در بسیاری از کشورهای جهان، دادستان سنت دیرینه‌ی خود را رها کرده، و در توجیه رأی خود به اندیشه‌های حقوقی استناد می‌کنند.^۲

^۱ ناصر، کانونیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۱۷، چاپ بیست و سوم، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۸.

^۲ ناصر، کانونیان، همان منبع، ص ۱۸.